



ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۱۴ | شماره ۶ | بهار و تابستان ۱۴۰۰ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ سفال و جوامع انسانی
- ◆ شهرنشینی ری در دوره سلجوقی
- ◆ آیین و شیوه تدفین ایل‌های غرب زاگرس مرکزی
- ◆ الگوهای هندسی شبه‌متناوب در نقش‌های گنبد کبود مراغه
- ◆ هیئت سیاسی پادشاهی حمیر در دربار بهرام دوم ساسانی در بیشاپور
- ◆ پیکره مفرغین شیر دوره هخامنشی از بُسته فارغان، حاجی آباد هرمزگان
- ◆ سر نخعی از محل کشف ظرف‌های سیمین دوره ساسانی سرپل زهاب، کرمانشاه
- ◆ درباره توسعه مهر و مهر و موم در زمان ساسانی، عملکرد: رویکردی میان‌رودانی

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



دوفصلنامه ایران شناسی

سال ۴ | شماره ۶ | بهار و تابستان ۱۴۰۰ | ۱۵۸ صفحه |
شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |
مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتز باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

عکس: نیم‌تنه پادشاه ساسانی که تاج آن نشان دهنده شاپور دوم یا بهرام پنجم است که از کیش در عراق یافت شده است. © موزه تاریخ طبیعی فیلد

تهران: صندوق پستی ۵۶۹-۱۴۵۱۵

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶



چاپخانه: ایران کهن

همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است | با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

مقاله

- ۴ پیکره مفرغین شیر دوره هخامنشی از بستانه فارغان، حاجی آباد هرمزگان | مهدی رهبر و مهدی خلیلی
در باره توسعه مهر و مهر و موم در زمان ساسانی، عملکرد: رویکردی میان‌رودانی | نیلز سی. ریتر، ترجمه زهرا
۱۲ فلاحی یارولی و رضا مهربانی
- ۲۵ هیئت سیاسی پادشاهی حمیر در دربار بهرام دوم ساسانی در بیشاپور | برونو اورلت، ترجمه نیکنام نجیب
۳۲ سر نخ از محل کشف ظرف‌های سیمین دوره ساسانی سرپل زهاب، کرمانشاه | سجاد علی بیگی
۳۷ الگوهای هندسی شبه‌متناوب در نقش‌های گنبد کبود مراغه | داریوش احمدی
۵۲ شهرنشینی ری در دوره سلجوقی | روکو رنته، گرمن د پاسکوله، ترجمه محسن سعادت
۶۹ آیین و شیوه تدفین ایل‌های غرب زاگرس مرکزی | علی نوراللهی
۱۰۴ سفال و جوامع انسانی | کرول کرامر، ترجمه مجتبی چرمچیان و حمزه خردمند

یادنامه

- ۱۳۵ فیروز باستان‌شناسی ایران

درگذشتگان

- ۱۴۵ درگذشتگان ایران‌شناسی | آرشاک ایروانیان

پیشخوان

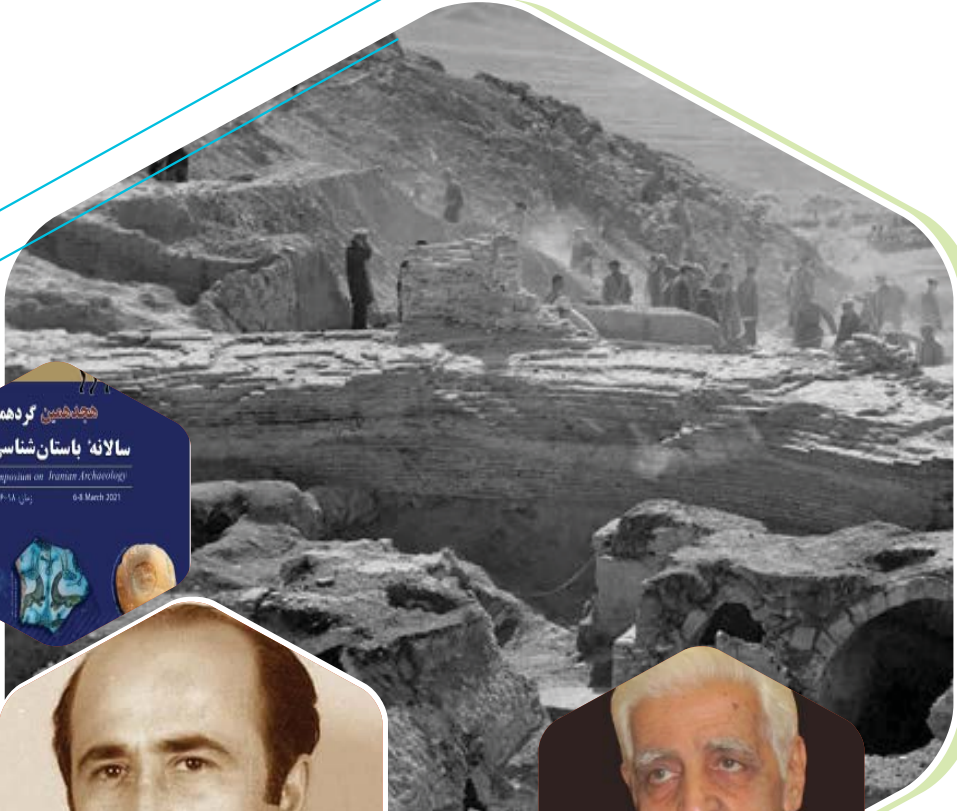
- ۱۴۷ معرفی کتاب راهنمای باستان‌شناسی اسلامی | حسین صبری

گزارش

- ۱۵۳ هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران



مقاله



مجله ایران‌شناسی ایران ورجاوند

هیئت سیاسی پادشاهی حمیر در دربار بهرام دوم ساسانی در بیشاپور*

برونو اورلت

ترجمه نیکام نجیب

دانشجوی کارشناسی باستان‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

سنگ‌نگاره چهارم در تنگ چوگان بیشاپور، شاهنشاه ساسانی بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م) را هنگام ملاقات یک هیئت سیاسی عرب به همراه اسب‌ها و شترها نشان می‌دهد. کتیبه‌ای از معبد محرم بلقیس نزدیک مارب به هیئتی سیاسی اشاره می‌کند که به دستور شمر یهرعش به تیسفون و سلوکیه فرستاده شده بود. براساس رویدادهایی که در کتیبه پیش‌گفته آمده، این مأموریت به اوایل دوران سلطنت بهرام دوم تاریخ‌گذاری شده است. این تاریخ با تاریخ‌گذاری مبتنی بر سبک‌شناسی سنگ‌نگاره بهرام دوم انطباق دارد و گویای آن است که سنگ‌نگاره چهارم بیشاپور به حضور پذیرفتن این هیئت سیاسی حمیری را به تصویر می‌کشد.

واژه‌های کلیدی: حمیر، بهرام دوم، سنگ‌نگاره ساسانی، ایران، شمر یهرعش

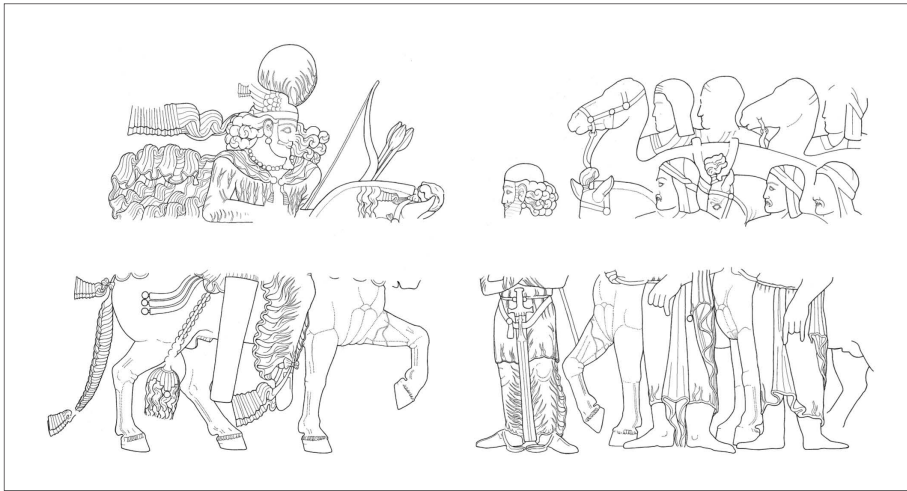
چکیده

سنگ‌نگاره چهارم بیشاپور در دره رودخانه‌ای منتهی به شهر بیشاپور در جنوب ایران قرار دارد. این سنگ‌نگاره بین دو نگاره پدر بزرگ بهرام دوم، شاپور اول، در صحنه شرف‌یابی یک هیئت سوریه‌ای از شهر حمص (Overlaet, 2009) و سنگ‌نگاره دیهیم‌ستانی پدرش بهرام اول (که بعدها توسط نرسی غصب شد) تراشیده شده

* این مقاله ترجمه‌ای است از:

است (بنگرید به-11: Herrmann 1981: 11-15, fig. 2, pls 8-15). قاب ۳/۴۵×۷/۴۵ متری این سنگ‌نگاره، تصویری بزرگ‌تر از اندازه واقعی را از پادشاه ساسانی بهرام دوم رودرروی یک راهنمای پارسی نشان می‌دهد که پیشاپیش هیئت اعزامی عرب حرکت می‌کند (تصویرهای ۱ و ۲). قسمتی از سنگ‌نگاره را آبراه‌ای که در امتداد صخره جاری بوده و باعث فرسایش

Overlaet, Bruno. 2009, "A Himyarite diplomatic mission to the Sasanian court of Bahram II depicted at Bishapur" *Arabian archaeology and epigraphy*, 2009: 20: pp.218-221



تصویر ۱. بهرام دوم در حال پذیرش یک هیئت عرب (طراحی از Herrmann 1981)

آرایش، یادآور مجسمه‌های یمنی پادشاهان آوسان^۱ و حمیر است (Simpson 2002: 64-65, 127, cat. Nos 34-35, 148-150).

طراحی و ترکیب‌بندی رسمی صحنه بیانگر اهمیت تک تک شرکت‌کنندگان و برجستگی آن رویداد است. پادشاه و اسب او کمی بزرگتر از سایر شخصیت‌ها تصویر شده و حدود نیمی از صحنه را در بر گرفته‌اند؛ بنابراین از لحاظ بصری بر این سنگ‌نگاره غالب هستند (Thompson, 2008). اسب بهرام پای جلویی خود را بلند کرده است و چنین می‌نماید که گویی در حال حرکت به سمت هیئت اعزامی است. اعراب، پشت سر یک راهنمای پارسی قرار دارند. حالت دست به سینه راهنما، درحالی‌که دست چپش در آستین پنهان شده و عصایی در دست راستش دارد، نشانگر جایگاه و نقش اوست. راهنمایان مشابهی به‌صورت دست به سینه پیشاپیش هیئت‌های اعزامی منقوش در سنگ‌نگاره‌های شاپور اول (دارابگرد،

سرتاسر بخش مرکزی سنگ‌نگاره شده، از بین برده است. این سنگ‌نگاره را نخستین بار جیمز موریه، سیاح انگلیسی، توصیف کرد (1812: 90) و رویدادهای تاریخی مختلفی به آن منتسب شد (برای بررسی تفسیرهای گوناگون و دقیق‌ترین مستندات، بنگرید به - Herrmann 1981: 5-7, fig. 1, pls 1-10). اولین کسانی که هیئت اعزامی منقوش در سنگ‌نگاره را یک گروه عرب تشخیص دادند، پژوهشگران فرانسوی فلاندن و گُست بودند (1851: 57-58, pl.51). امروزه، اجماع نظر گسترده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه سنگ‌نگاره، بهرام دوم و -براساس پوشاک و چهره- یک قبیله ناشناخته عرب را به تصویر کشیده است (تصویر ۳). عرب‌ها پابرنه بوده و لباس‌های گشادی با کمر بند به تن دارند. موی آنها با پارچه‌ای که دور سرشان را در برگرفته پوشانده و با یک نوار محکم بسته شده است. به نظر می‌آید موی صورت آنان به‌خوبی اصلاح شده و سبیل‌های افتاده کوتاهی دارند؛ این سبک



تصویر ۲. سنگ‌نگاره چهارم بیشاپور: بهرام دوم یک هیئت عرب را می‌پذیرد (عکس از: E.Smekns / دانشگاه گان)

حالت عضلانی و شیوه نمایش دادن رگ‌های روی پاهای آنها نیز شباهت زیادی به یکدیگر دارند. اگرچه این اسب‌ها را معمولاً هدایایی برای شاه ساسانی دانسته‌اند (Herrmann 1981: 9-10)، این احتمال را هم باید در نظر داشت که ممکن است اسب‌ها از طرف اصطبل بهرام در اختیار گروه اعزامی قرار گرفته باشند. این روایت شبیه ماجرای است که برای هیئت فرانسوی روی داد که در سال ۱۸۴۰ در اصفهان به حضور محمدرضا قاجار رسیدند. تشریفات رسمی هیئت سیاسی، رویدادها را چنین شرح می‌دهد:

«سومین روز بعد از رسیدن کنت سیرسی، او افتخار این را پیدا کرد که در اردوگاه پادشاهی به حضور اعلی حضرت برسد. اسب‌های پادشاه، که معمولاً استفاده نمی‌شوند، برای همه افراد هیئت اعزامی فرستاده شدند. قرّاشان، شاطران و ... با پای پیاده در ابتدای جمعیت حرکت می‌کردند. جناب سفیر پشت یکی از منشی‌هایش که درون

سنگ‌نگاره‌های دوم و سوم بیشاپور^۱؛ بنگرید به Overlaet 2009: pls 17-18, 24-25 و شاپور دوم (سنگ‌نگاره ششم بیشاپور^۲؛ بنگرید به Herrmann 1981: pl. 21) به تصویر کشیده شده‌اند. راهنمایان عصادار، همواره بخشی از تشریفات سلطنتی هخامنشیان بودند و می‌توان آنان را پیشاپیش بسیاری از هیئت‌های خارجی در سنگ‌نگاره‌های آبادانای تخت جمشید دید (Walser 1966 : 68-70, Taf. 8-16, 18-) (30, 56). حضور راهنمای پارسی بیانگر این است که این سنگ‌نگاره، یک شرف‌یابی رسمی به حضور شاه ساسانی را نشان می‌دهد.

حالت رسمی این ملاقات می‌تواند حضور دو اسب را در هیئت اعزامی عرب که از هر نظر شبیه اسب شاه ساسانی هستند، نیز توضیح دهد. این اسب‌ها کاکل‌های یکسانی دارند و حالت اسب اول تقلیدی از حالت اسب بهرام است؛ هرچند که پای جلوی آن کمتر بلند شده است. اسب‌ها آشکارا از یک گونه هستند و

1 Bishapur II and III
2 Bishapur VI



تصویر ۳. اعضای هیئت عرب در سنگ‌نگاره چهارم بیشاپور (عکس از: E.Smekns / دانشگاه گان)

که شاه روی اسبی نشسته است- تبعیتی از سبک پیشینیان او است. هرمان ابتدا بر این گمان بود که همان هنرمندانی که سنگ‌نگاره‌های شاپور اول را حجاری کرده بودند، ممکن است این سنگ‌نگاره را نیز حجاری کرده باشند، اما بعد از آزمایش فنی روش‌های حجاری نتیجه گرفت که این طور نیست. اگرچه ممکن است این سنگ‌نگاره کار همان طراح باشد، اما تفاوت‌های قابل توجهی در اجرای جزئیات خاص و نیز نشانه‌های بر جای مانده از ابزارها وجود دارد. بسیاری از سنگ‌نگاره‌های ساسانی، بیانیه‌های سیاسی یا مذهبی مهمی بودند و اگر ملاقات یک هیئت اعزامی عرب چنان مهم تلقی می‌شده که تصویر شود، باید رویدادی مهم و استثنائی بوده باشد. این یک مأموریت سیاسی پر اهمیت بوده و می‌بایست به قبیله یا ایالت مستقلی مربوط بوده باشد؛ نه از قبایل خراجگزار و تابعه ساسانیان. چنین هیئت سفیرانی بسیار نادر بودند. باوجوداین، ما از وجود یک هیئت سیاسی عرب آگاهی داریم که در اواخر قرن

کیفی زربفت، نامه اعلی حضرت شاه فرانسه را برای شاه ایران حمل می‌کرد، در حرکت بود و پشت او، سایر افراد هیئت اعزامی می‌آمدند» (De Sercey 1928: 239).

دو عربی که افسار اسب‌ها را گرفته‌اند، تنها کسانی هستند که به‌طور کامل نشان داده شده‌اند و به‌وضوح اعضای اصلی هیئت اعزامی هستند. نه تنها اندازه آنها با بقیه افراد متفاوت است (فرد جلویی کمی بزرگ‌تر است)، بلکه سبک لباس پوشیدن و حالت انگشت‌های دست چپشان هم با دیگران فرق دارد. این دو امر جزئی اخیر، دقیقاً همانند تفاوت آنها در اندازه، بی‌شک بازتاب تفاوتی در مقام آنها است، اما مفهوم دقیق آن همچنان برای ما مبهم است.

براساس یک ارزیابی دقیق و سبک‌گرایانه از این سنگ‌نگاره، جورجینا هرمان تاریخ سنگ‌نگاره چهارم بیشاپور را به اوایل سلطنت بهرام دوم مرتبط دانسته است (1970: 166-167; 1981: 9). عمق زیاد این سنگ‌نگاره، خصیصه سنگ‌نگاره‌های اولیه بهرام است و طراحی آن -

سوم یا اوایل قرن چهارم میلادی به دستور پادشاه حمیر، شمر یهرعش به دربار ساسانیان فرستاده شده بود. اگرچه تاریخ دقیق این مأموریت سیاسی مورد بحث است، شواهدی وجود دارد که بپذیریم این هیئت اعزامی می‌تواند همانی باشد که در بیشاپور نقش شده است.

اطلاعاتی درباره این هیئت سیاسی حمیری در نوشته‌ای به‌جای‌مانده روی تکه سنگی آمده است (متأسفانه این قطعه سنگ، ناقص و شکسته است) که در معبد محرم بلقیس نزدیک مأرب نصب شده بود. شخصی به نام رایمان^۱ اشاره می‌کند که به پاس قدردانی از المقه تحوان^۲، سرور أوام^۳، یک مجسمه طلائی را به عنوان یادبود به او می‌دهد. برای اولین بار این متن را شرف‌الدین^۴ منتشر کرد (1961: 44)، اما این والتر مولر^۵ بود که بعد از انتشار قرائتی بازنگاری شده از آن به اهمیت آن پی برد (1974). والتر نشان داد که این نوشته به یک هیئت سیاسی اشاره دارد که توسط پادشاه حمیر شمر یهرعش به تیسفون و سلوکیه، پایتخت‌های ساسانیان، فرستاده شده بود. آن اهدایی به معبد بعد از دوران حکومت شمر یهرعش اتفاق افتاد

(یعنی بعد از سال ۳۱۵ میلادی)، زیرا متن با آرزوی سلامتی برای سروران او، شاهان سبا^۶ و ذو ریدان^۷ به پایان می‌رسد (Müller 1974: 164). رایمان ابتدا دلیل آن اهدایی را ذکر می‌کند که عبارت است از سالم برگشتن از عملیات نظامی در منطقه ساحلی شمال یمن (ذوصحراتیم^۸) به دستور شمر یهرعش -شاه سبا و ذو ریدان و حضرموت^۹ و یمنات^{۱۰}-. سپس در ادامه اعمال برجسته دیگری را ذکر می‌کند که به‌خاطر آنها قدردان و سپاسگزار است و این موارد را باید رویدادهای قدیمی‌تری در نظر گرفت: اعزام هیئت سیاسی پیش‌گفته به امپراتوری ساسانیان و چهل سال حکمرانی به‌عنوان حاکم صعده^{۱۱}، که هر دو به دستور شمر یهرعش (که نامش در اینجا بدون هیچ لقبی ذکر شده) بوده‌اند.

در کتیبه‌هایی که مربوط به ۲۷۰ میلادی (Müller 1974: 164)، نوامبر سال ۲۷۵ و ژوئن سال ۲۸۶ (Robin 1996) هستند، شمر یهرعش به‌عنوان پادشاه همزمان با پدرش یاسیروم یُهَنَم^{۱۲} معرفی می‌شود^{۱۳}. او پیش از سال ۳۰۰ میلادی، لقب پادشاه حضرموت را

أوام به‌احتمال زیاد همان شهر مأرب امروزی در یمن است (م).

شهری در کشور یمن (م).

۱۳ ظاهراً شمر یهرعش و پدرش چندسالی را به‌طور مشترک حکومت کرده و هر دو شاه بوده‌اند (م).

- 1 Raiman
- 2 Al-Maqah Tahwan
- 3 Awwam
- 4 Sharafaddin
- 5 Walter Müller
- 6 Saba
- 7 Du-Raydan
- 8 Du Sahratim
- 9 Hadramawt
- 10 Yamnat
- 11 Sa'da
- 12 Yasirum Yuhan'im

برای خود برگزیده بود اما تاریخ دقیق فتح این منطقه به دست وی نامعلوم است. شمر یهرعش تا سال ۳۱۵ / ۳۱۴ میلادی بر مسند قدرت باقی ماند.

از آنجاکه تاریخ هیئت سیاسی فرستاده شده به تیسفون و سلوکیه به طور دقیق در نوشته رایمان ذکر نشده، این موضوع همچنان مورد بحث است. به گفته والتر مولر، این رویداد قبل از نبرد دیوکلتین^۱ علیه شاه ساسانی، نرسی، در سال ۲۹۸ / ۲۹۷ اتفاق افتاد (Potts 1990: 201; 2008: 214; 237 n). در حالی که پاتس این احتمال را طرح کرده است که شمر یهرعش قصد داشته برای دفاع در برابر تهدید احتمالی کشورگشایی رومیان، اتحادی را با ساسانیان شکل دهد (1990: 237). در مقاله جدیدی، پاتس در این ایده خود تجدید نظر کرده و می‌گوید که این مأموریت در بازه بین سال‌های ۳۰۰ تا ۳۱۵ میلادی اتفاق افتاده است؛ زیرا از شمر یهرعش به عنوان شاه حضرموت نام برده شده است. به عقیده او این هیئت سیاسی شاید با شنیدن خبر تولد شاپور دوم در سال ۳۱۱ / ۳۱۰ میلادی به دربار ساسانی اعزام شده است (2008: 200-203).

با این حال، اگر بپذیریم کتیبه مذکور بعد از سلطنت شمر یهرعش ایجاد شده باشد زیرا چند سطر آخر آن متن، دعاهایی برای سلامت سروران شمر یهرعش، پادشاهان سبا و ذوریدان است؛ نه برای خود او (Müller 1974: 164) - در آن صورت تفسیر دیگری محتمل‌تر به نظر می‌رسد. لقب کامل شمر یهرعش صرفاً همراه

با آخرین اعمال نظامی برجسته او استفاده می‌شود و هنگامی که صحبت درباره هیئت اعزامی سیاسی است، عنوان او به طور صریح تکرار نمی‌شود. از آنجاکه این متن مربوط به زمان بعد از سلطنت اوست، عجیب نیست که مهم‌ترین القاب و عناوین او در اینجا ذکر شده باشد. با توجه به اینکه در کتیبه دعاهای خیری برای سلامتی بیش از یک پادشاه آمده، تاریخ آن باید مربوط به زمان سلطنت همزمان دمرعلی یُبهیر^۲ و پسرش ترَعَن یُهَنَعَم^۳ باشد؛ پادشاهانی که می‌دانیم به طور مشترک بین سال‌های ۳۱۵ تا ۳۱۹ میلادی سلطنت می‌کردند (Müller 1981: 250; Nebes 1996: 296-297).

اگر چهل سال سپری شده به عنوان حاکم شهر را از زمان سلطنت همزمان دمرعلی یُبهیر و پسرش ترَعَن یُهَنَعَم کم کنیم^۴، در آن صورت اعزام این هیئت سیاسی باید کمی قبل از سال ۲۷۵ یا ۲۷۹ اتفاق افتاده باشد. این موضوع، اعزام هیئت سیاسی به دربار ساسانیان را در اوایل سلطنت شمر یهرعش قرار می‌دهد؛ زمانی که او مشترکاً با پدرش حکومت می‌کرد و هنوز دست به گسترش پادشاهی حمیر نرده بود. از لحاظ سیاسی، این زمان قابل قبولی برای اعزام یک هیئت سیاسی بوده است. این کار می‌توانست باعث ایجاد حسن نیت (و تأیید غیر رسمی) یک قدرت منطقه‌ای بزرگ، یعنی شاهنشاهی ساسانیان، قبل از انضمام همسایگان حمیر [به این شاهنشاهی] شود. تاریخی در حدود ۲۷۵ یا ۲۷۹ میلادی، این مأموریت سیاسی را به زمان سلطنت بهرام اول (۲۷۳-۲۷۶ م) یا اوایل

1 Diocletian

2 Damar'ali Yubahirr

3 Tar'an Yuhan'im

۴ منظور همان چهل سالی است که رایمان حاکم شهر صعده بوده است (م).

پادشاهی حمیر فرضیه‌ای متقاعدکننده به نظر می‌رسد. آن شخصیت عربی که رهبر این هیئت اعزامی است، می‌بایست رایمان بوده باشد؛ همان کسی که مجسمه‌ای طلایی را به معبد محرم بلقیس اهدا کرد.

سلطنت بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م) می‌رساند. به دلیل آنکه سنگ‌نگاره بیشاپور از لحاظ سبکی و شمایل‌نگاری به اوایل دوران سلطنت بهرام دوم تاریخ‌گذاری شده است (قبل از ۲۸۰ میلادی، بنگرید به: Herrmann 1970: 167; 1981: 9-10)، مرادده ای با هیئت اعزامی سیاسی

کتاب‌نامه

- De Sercey, C 1928. *Une Ambassade Extraordinaire – La Perse en 1839-1840 (avec une lettre de M. Emilie Senart et un avant propos du Comte Laurent de Sercey)*. Paris: l'Artisan du Livre.
- Flandin, E. & Coste, P 1851. *Voyage en Perse III, L'architecture, la sculpture, les inscriptions cunéiformes et pehlois et les plans topographiques*. Paris: Gide et J. Baudry.
- Hermann, G 1970. The sculptures of Bahram II. *Journal of the Royal Asiatic Society*: 165-171.
- Hermann, G 1981. *The Sasanian Rock Reliefs at Bishapur: Part 2. Bishapur IV, Bahram II receiving a Delegation, Bishapur V, The Investiture of Bahram I, Bishapur VI, The Enthroned King*. (Iranische Denkmäler, Lieferung 10, enthaltene Reihe II. Iranische Felsreliefs F). Berlin: Dietrich Reimer Verlag.
- Morier, J 1812. *A Journey through Pesia, Armenia and Asia Minor to Constantinople in the years 1808 and 1809*. London: Longman, Hurst, Rees, Orme and Brown.
- Müller, W.W. 1974. Eine Sabeische Gesandtschaft in *Ktesiphon und Seleukeia*. *Neue Ephemeris für Semitische Epigraphik* 2: 155-165
- Müller, W.W. 1981. Das Ende des antiken Königsreich Hadramaut Die sabäische Inschrift Schreyer-Geukens. Pages 225-256 In Stiegner, R.W. (ed.), *Al-Hudhud: Festschrift Maria Höfner zum 80. Geburtstag* (Graz, Karl-Franzens Universität).
- Nebes, N 1996. *Ein Kriegszug ins Wadi Hadramawt aus der Zeit des Damar'ali Yubahirr und Ta'ran Yuhan'im*. Le Muséon 109: 279-297.
- Overlaet, B 2009. A Roman Emperor at Bishapur and Darabgird. *Uranus Antoninus and the Black Stone of Emesa. Iranica Antiqua* 44: 461-530.
- Potts, D 1990. *The [Persian] Gulf in Antiquity II, From Alexander the Great to the Coming of Islam*. Oxford: Clarendon Press.
- Potts, D 2008. The Sasanian relationship with South Arabia: Literary, Epigraphic and Oral Historical Perspectives. *Studia Iranica* 37/2: 197-213.
- Robin, C 1996. Sheba. *Supplément au Dictionnaire de la Bible* 70: 1140.
- Sharafaddin, A.H. 1961. *Yemen*. Arabia Felix. Taiz
- Simpson, St J. (ed.) 2002. *Treasures from Ancient Yemen*. London: British Museum Publications.
- Thompson, E 2008. Composition and Continuity in Sasanian reliefs. *Iranica Antiqua* 43: 344-350.
- Walser, G 1966. *Die Völkerschaften auf den Reliefs von Persepolis*. Berlin: Verlag Gebr. Mann.



“Contents”

Article

The Bronze Statue of a Lion of the Achaemenid Period from Fareghan, Hajiabad, Hormozgan Mehdi Rahbar & Mehdi Khalili	4
On the Development of Sasanian Seals and Sealing Practice: A Mesopotamian Approach Nils C. Ritter, Persian Translated by Zahra Fallahi & Reza Mehrabi	12
A Himyarite Diplomatic Mission to the Sasanian Court of Bahram II depicted at Bishapur Bruno Overlaet, Persian Translated by Niknam Najib	25
Bronze Vessels of the Sassanid Period in Sarpol-e zahab, Kermanshah Sajjad Alibeigi	32
Alternating like Patterns in Motifs of Gonbad-e Kabood of Maragheh Dariush Ahmadi	37
The Urbanization of Rayy in the Seljuq Period R. Rante & . Di Pasquale, Persian Translated by Mohsen Saadati	52
Ritual and Burial Method of the Tribes of the West of the Central Zagros Ali Nourallhi	69
Pots and Peoples Karol Cramer, Persian Translated by Mojtaba Charmchian & Hamzeh Kheradmand	104

Memorandum

Firouz Bagherzadeh	135
--------------------	-----

Obituary

Hasan Talaei, Javad Ghandgar, Sadegh Malek Shahmirzadi, Wolfram Kleiss, Michele Casanova Arshak Irvanian	145
---	-----

Critique and Book Review

The Oxford Handbook Of Islamic Archaeology Hosein Sabri	147
--	-----

Report

18 th Annual Symposium on Iranian Archaeology	153
--	-----



ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 4, No.6, Spring & Summer 2021 |

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:

| Dr. Shahin Aryamanesh |

Managing Editor: **Houshang Rostami**

📍 Tehran, Iran, Post box: 14515-569

🌐 www.iranvarjavand.ir

✉ Iranvarjavand@hotmail.com

☎ +98 9395969466

The figure is a Sasanian king, identified by his crown
as either Shapur II or Bahram V, from Iraq, Kish,

© The Field Museum of Natural History

All rights reserved. No part of this publica-
tion may be reproduced, stored in a retrieval
system or transmitted in any form or by any
means, electronic, mechanical, photocopying,
recording or otherwise, without prior permis-
sion in writing, form the publisher.

With Contributions by

| Tisaphemes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies / Vol. 4 / No. 6 / Spring & Summer 2021



ایران
ورجاوند

Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ Pots and Peoples
- ◆ The Urbanization of Rayy in the Seljuq Period
- ◆ Ritual and Burial Method of the Tribes of the West of the Central Zagros
- ◆ Alternating like Patterns in Motifs of Gonbad-e Kabood of Maragheh
- ◆ Bronze Vessels of the Sassanid Period in Sarpol-e zahab, Kermanshah
- ◆ On the Development of Sasanian Seals and Sealing Practice: A Mesopotamian Approach
- ◆ A Himyarite Diplomatic Mission to the Sasanian Court of Bahram II depicted at Bishapur
- ◆ The Bronze Statue of a Lion of the Achaemenid Period from Fareghan, Hajiabad, Hormozgan